

من از یک خوش خیران سابقه دارم که مردی را پس از شش ماه انتظار بازیه هم میبندد داد. از درازت نامت که همراه بودی نامه
 شنیدت بودی و دهم و بلافاصله به سراغ منات رفتم که پیشانی دیگری در میان بودی. معلوم شد که مادر یک زمان از انتظار خسته
 به سراغ من برگشته ام. در این مدت بر خاک شکر است. رانیده ام، در دفتر منتهی و اوقات... با اشتیاق خوانده ام. از شو
 پریم که برام دستاره ای خوش آمد. گلان هم آنم. دروغ هم یا تم خردک زیم یا نه نه ضایعنه نوشته شد حرکت. در اما کاس پریم هر بابی
 تو سید رنگ نبود. برضی بنوامی بلوئی هر بابی بی رنگ در نایت. پریم سید در طول تاریخ مطلق است که تو به است و اگر هم پریم
 سید را نشانه صلح بداند، باز به نظر من که تو سید بیگانه بودی. در صلح بسیار زیبا تر و کافران است. به بر حال سید سید
 برادرش حوالی من از تو هم «ایند که پریم سید را دوست نداشتم. از خزان عاصیان هم هم و ماه افراطی. بیخبر
 در اما قلم را در برد شکل شو، بوره وزن شوی خوانده ام. همان طور که با کتقدم، من هم عرض آزاد را بر این شو امروز ناسی
 کافیه مادام که قضا نوزم بناد در صد خوانده ام. کورالی آن را نمی ندرند چه رسد به شو آزاد که بعد از دستخوش بر ۲۲ دیج
 شده است که گاه گویان نیز حوالی را بر نوره کشاند. اما یک بار دیگر شو را می کنم که من میله سنا کتیر بر نوع منر حقیقی
 بدوام به بر عظمی که در آنه باشد. ساید از این دوست که در کافیه بر عیون سبک است. امروز من در آن پرس آزاد برای
 افراطی را که می انداخت این قدر حوت می دارم و به همین سبب است که به سراغ تو سید آزاد که آمده ام که با شو آزاد یا یا
 هر دمی زنی. من با هم هم نام به ای گفته میبودن امکان دارم که این معنی قاعده ای است که نتوانی آن را به خاطر برود در اول
 اگر زیبا تره زنی یا نهاد»

خودت را نظر دارد مار که تو «عنا فر شو» بگویم. به محض آنکه در دفتر امی. حیات عمری فدایم و با کمال صلح به تو می برسم
 شام محمود مکن در فصل نامه، نوشته ام در سر اول شو را بر نوره شو اصرار ملو دارد که یقین خواننده ای. از برای سوسا کلو
 که نام بر جسته ام است، خوب است. اما کوشش او (ننگی) بر این بافتی قانونی شدی شو را در (شرفی وزن) هم وقت
 بدین نوعی است. البته به نظر من.

کتاب - البته بی سگت را بر است. من هم هم. اگر آزادان می توانی این نامه را به سرانه که گویانم مستقر باشی و
 در کارها تخلف مستقر خود من هم بده است بدی. لاد تنقد بر دست است. از تو خواش هم کم نظر = اردون، میخواند
 و در و اس (منم خوانم بگویم رو در با کسی) در مورد اشکار آن مجوبه برام بنویس و مطمئن باشی که اگر همه سبب جات آن را هم
 طرد کنی، اید انخوانم بخند، بلکه بیشتر به خود می دندیم. مجوبه دیگری هم - بر می نویسی دارد - را همراه این نامه می خواهم
 آن را هم بخوانی و نظر را بدهد.

من ساید تا آخر این ماه - ارد - بروم برین عمری. آیا می توانی بیایی! پس از ۱۰ اردز بازیه اینجا می مانم.
 این هم پیش کار تقصیر است که خوانده ام. ۵۱۵ دلتاره ما را هم که داری. ۹۹۴۵۴.۹

خوب بخش که نامم بعضی که به گفته اوستا: حویل رفین بار و و بر بار باش

به امید دیدار
 کاله

لندن ۱۲ اکتبر ۱۹۸۹

شو را تمام را که خوانده ام، بعد از می خرم
 به این که من مجوبه دیگری شده که ساید «با دست خط نامم بود»